

واکاوی مشکلات مردم روستای رودبار شهرستان بهشهر در اثر جابه‌جایی ناشی از احداث سد*

سمیرا حبیب‌نژاد لوجندی^۱، طاهره ملکی^۲، حسین یادآور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۱

چکیده

اجرای طرح جابه‌جایی روستای رودبار به دلیل آب‌گیری سد گلورد و خطر وقوع سیل و آب‌گرفتگی در سال ۱۳۸۸ صورت گرفت که با پیامدهای فراوان برای زندگی روستاییان همراه بود. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر واکاوی مشکلات مردم روستای رودبار در شهرستان بهشهر در اثر جابه‌جایی بود، که به روش سرشماری انجام شد ($n=92$). ابزار پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی آن تأیید شد و پایایی آن نیز ۰/۸۹ به دست آمد. بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، عدم رعایت ملاحظات کالبدی-زیرساختی، عدم رعایت ملاحظات زیست-محیطی در احداث روستای جدید، عملکرد اجتماعی نامناسب سکونتگاه جدید، مشکلات مرتبط با وضعیت اقتصادی خانوار روستایی و عملکرد نامناسب سکونتگاه‌های جدید از بعد فرهنگی-روانی مهم‌ترین مشکلات روستاییان پس از جابه‌جایی ارزیابی شدند، که ۵۲/۴۶ درصد واریانس جمعی را به خود اختصاص دادند.

کلیدواژه‌ها: اسکان مجدد، مسائل و مشکلات جابه‌جایی، احداث سد، رودبار (روستا)، بهشهر (شهرستان).

^۱ بدین وسیله از فرمانداری محترم شهرستان بهشهر و اهالی خوب روستای رودبار که ما را در این پژوهش یاری کردند، صمیمانه سپاسگزار می‌شود.

۱- نویسنده مسئول و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (samira.habibnejad@gmail.com).

۲- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳- استادیار گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه

در کشورهای مختلف جهان، بافت روستایی از ارکان مهم فضاهاى سکونتگاهی و الگوهای فضایی - کالبدی از زندگی اجتماعی در بستر طبیعت محسوب می‌شود (Gorkani et al., 2014) که در گذار تاریخ و در کنار تأثیر عوامل مختلف دستخوش تغییراتی شده است. یکی از این عوامل تأثیرگذار اجرای طرح‌های مختلف به‌منظور سامان‌دهی سکونتگاه‌های روستایی بوده است. در واقع، لزوم اجرای برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای، دولت‌ها را مجبور به دستکاری در این‌گونه بافت‌های گاه چندهزارساله و سامان‌دهی مجدد آنها می‌کند (Nobakht-Haghighi and Ghoreishi-Minabad, 2014). بررسی این پدیده در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که اقدام یادشده عمدتاً به یک یا چند دلیل از قبیل رویارویی با حوادث طبیعی، اجرای برنامه‌های توسعه روستایی و دلایل سیاسی - امنیتی انجام می‌شود (Mirnorouzi et al., 2009; Mohammadi et al., 2013). در ایران نیز طرح‌های سامان‌دهی سکونتگاه‌های روستایی با پیشینه‌ای چندین ساله و برآمده از کاربرد رویکرد ادغام، جابه‌جایی و تجمع نقاط روستایی کم‌جمعیت و پراکنده اجرا شده است که البته چنین نقاطی از آستانه‌های جمعیتی لازم برای خدمات‌رسانی برخوردار نبودند و یا به علت جنگ یا سوانح طبیعی از قبیل: زلزله، رانش زمین، سیل و نظایر اینها تخریب شده و بازسازی می‌شدند (Nobakht-Haghighi and Ghoreishi-Minabad, 2014). همان‌گونه که اشاره شد، یکی از رویکردهای هدفمند در زمینه سامان‌دهی سکونتگاه‌های روستایی اجرای سیاست جابه‌جایی و اسکان مجدد بوده است. این سیاست بیشتر در خصوص روستاهایی که به لحاظ شرایط طبیعی، اقتصادی و کالبدی دارای محدودیت و مسائل عدیده باشند، مورد توجه قرار می‌گیرد (Soleimanzadeh et al., 2014).

جابه‌جایی به معنی انتقال و استقرار جمعیت یک روستا به مکانی جدید و فاقد سابقه سکونت و فعالیت است. یکی از دلایل جابه‌جایی مردم روستایی احداث سد است. در جهان، حدود چهل تا هشتاد میلیون نفر در اثر احداث سدهای بزرگ مجبور به جابه‌جایی و ترک محل زندگی خود می‌شوند (Darvishi et al., 2013). این نوع جابه‌جایی که از روی اضطرار صورت می‌گیرد، به جابه‌جایی اجباری یا اسکان اجباری معروف است (Nobakht-Haghighi and Ghoreishi-Minabad, 2014). علی‌رغم اهداف توسعه‌ای و

مثبت سیاست جابه‌جایی و اسکان مجدد، متأسفانه شواهد حاکی از آن است که در بسیاری از موارد، اجرای این سیاست با آثار سوء برای زندگی مردم روستایی همراه بوده و آنها را درگیر مسائل و مشکلات فراوان کرده است، به گونه‌ای که می‌توان اذغان داشت گاه ممکن است در جریان جابه‌جایی، نظام تولید مختل شود، چراکه بیشتر شغل‌ها، زمین‌های مرغوب و سایر دارایی‌های درآمدزا نابود می‌شود. از آن گذشته، این احتمال وجود دارد که در اثر جابه‌جایی، سطح عمومی بهداشت نیز رو به تنزل گذارد، گروه‌های خویشاوندی و شبکه‌های غیررسمی اجتماعی پراکنده شوند، ارتباط بین تولیدکنندگان و مشتریان غالباً گسسته شده و بازار محلی نیروی کار به شدت دچار عدم کارآیی شود و در پاره‌ای موارد هم ممکن است که مقبره‌ها و زیارتگاه‌های تاریخی نابود شوند که این موضوع باعث گسستن ارتباط مردم با نیاکان و هویت فرهنگی خود می‌شود. تمامی اینها سبب بدتر شدن شرایط زندگی مردم شده و افزون بر این، زمانی که جابه‌جایی‌ها شدید باشند، ممکن است اقتصاد محلی و منطقه‌ای دچار ضعف شود (Anonymous, 2006). با توجه به تبعات منفی یادشده، شناسایی مشکلات روستاییان و پیامدهای منفی جابه‌جایی و اسکان مجدد و گزارش آنها گامی ضروری در راستای مدیریت تبعات منفی اسکان مجدد به‌شمار می‌رود. این اقدام به برنامه ریزان و دست‌اندرکاران اجرایی سیاست جابه‌جایی و اسکان مجدد کمک می‌کند تا از این مشکلات آگاهی پیدا کرده و تلاش‌های عملی خود را در راستای رفع آنها استوار سازند.

یکی از مناطق جغرافیایی که سیاستمداران به دلیل تأسیس سد تصمیم به جابه‌جایی روستاهای واقع در آن گرفتند، سکونتگاه‌های روستایی حاشیه سد گتوند علیا بود. از این رو، در اثر احداث سد که در سال ۱۳۷۷ عملیات اجرایی احداث آن آغاز شد، دولت اقدام به جابه‌جایی روستاهای حاشیه آن کرد. نتایج پژوهش رحمتی و نظریان (Rahmati and Nazariyan, 2010) نشان داد که احداث سد به‌علت قرار گرفتن برخی روستاها و زمین‌های کشاورزی در پشت مخزن سد، آثار اقتصادی و اجتماعی منفی فراوان در پی دارد و این تبعات برای جوامع روستایی که به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کاملاً به محیط جغرافیایی وابسته‌اند، دوچندان است. برخی از پیامدهای اجتماعی-اقتصادی جابه‌جایی که مردم این منطقه را مورد تهدید قرار داده

بود، عبارت‌اند از ضعیف شدن اقتصاد محلی، از بین رفتن صنایع دستی، از بین رفتن معیشت مبتنی بر دام، پراکندگی گروه‌های خویشاوندی، گسسته شدن ارتباط بین مردم و نیاکان و کاهش سطح عمومی بهداشت.

میرنوروزی و همکاران (Mirnorouzi et al., 2009) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی اجتماعی به منظور افزایش توانمندی اهالی در اسکان مجدد (پروژه سد گابریک)»، دریافته‌اند که اهالی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ شرایط جغرافیایی محل سکونت و شیوه زندگی بسیار به سنت و فرهنگشان پایبند بوده و تعلق مکانی خاصی به محل زندگی خود دارند. از این رو، آسیب‌پذیری این جوامع در تغییر مکان و اسکان مجدد نسبت به سایر جوامع بیشتر شده است.

همچنین، نتایج پژوهشی با عنوان «ارزیابی طرح‌های جابه‌جایی روستایی از نظر مکان‌یابی (مورد مطالعه: روستاهای لرینی علیا و سلفی و فرح‌آباد- استان ایلام)» نشان داد که به لحاظ اکثر معیارهای مورد بررسی، روستاهای مورد مطالعه در شرایط مناسب و نیمه مناسب قرار دارند؛ و البته روستاهای لرینی علیا و سلفی از نظر استقرار در اراضی شیب‌دار و روستای فرح‌آباد از نظر قرار گرفتن در اراضی کشاورزی در شرایط نامناسب قرار دارند (Sidayi and Azadi, 2014).

قراگوزلو و همکاران (Gharagozloo et al., 2014)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثرات کالبدی- فضایی جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی دهستان ملاوی شهرستان پلدختر»، به بررسی اثرات آن پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که مهم‌ترین تأثیر اسکان مجدد در روستاهای دهستان ملاوی در زمینه کالبدی و زیست‌محیطی بوده و در مقابل، کمترین پیامد جابه‌جایی روستاهای یادشده در بعد اقتصادی است. بر اساس نتایج مطالعه دیگری که روی آثار اسکان مجدد خانوارهای زلزله‌زده شهرستان منجیل رودبار صورت گرفت، خانواده‌های جابه‌جاشده و تجمیع یافته در محل جدید با چالش‌های متعدد اجتماعی- اقتصادی مواجه شدند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به اشتغال، درآمد، توانمندسازی زنان و مسائل مربوط به شیوه زندگی اشاره کرد (Badri et al., 2006).

از بررسی مطالعات پیشین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که هرچند، سیاست جابه‌جایی در ذات خود دارای اهداف مثبت بود اما در اغلب مواقع، بحران‌هایی را ایجاد

کرده که گاه وضعیت زندگی روستاییان را در شرایط بدتری نسبت به قبل از مهاجرت قرار داده است و به همین علت نیز تحقق اهداف سیاست گذاران و مجریان با چالش‌هایی روبه‌رو شده و عدم رضایت روستاییان از جابه‌جایی را در پی داشته است. حتی در برخی موارد، پیامدهای منفی جابه‌جایی سکونتگاه‌ها به حدی است که می‌توان گفت با وجود اهداف توسعه‌ای، عملی ضد توسعه تلقی شده و پایداری روستاها و سکونتگاه‌های روستایی را در معرض مخاطره جدی قرار داده است.

یکی از مناطق روستایی ایران که تصمیم به جابه‌جایی آن به خاطر احداث سد گلرود گرفته شد، روستای رودبار در دهستان پنج هزاره شهرستان بهشهر بوده است. عملیات احداث این سد در سال ۱۳۷۴ در بالادست روستای رودبار قدیم آغاز و در سال ۱۳۸۸ به پایان رسید. بنابراین، به علت خطر آب گرفتگی و بروز سیل احتمالی در قسمت زیادی از مناطق مسکونی و اراضی زراعی در این روستا، تصمیم به جابه‌جایی آن به ناحیه بالادست سد در همان منطقه گرفته شد. حال سؤالاتی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود، این است که مشکلات مردم روستای رودبار را پس از جابه‌جایی در چند دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد و مهم‌ترین مشکلات این مردم کدامند؟ از این رو، تحقیق حاضر با هدف واکاوی مسائل و مشکلات روستاییان روستای رودبار شهرستان بهشهر در اثر جابه‌جایی ناشی از احداث سد صورت گرفت.

مبانی نظری

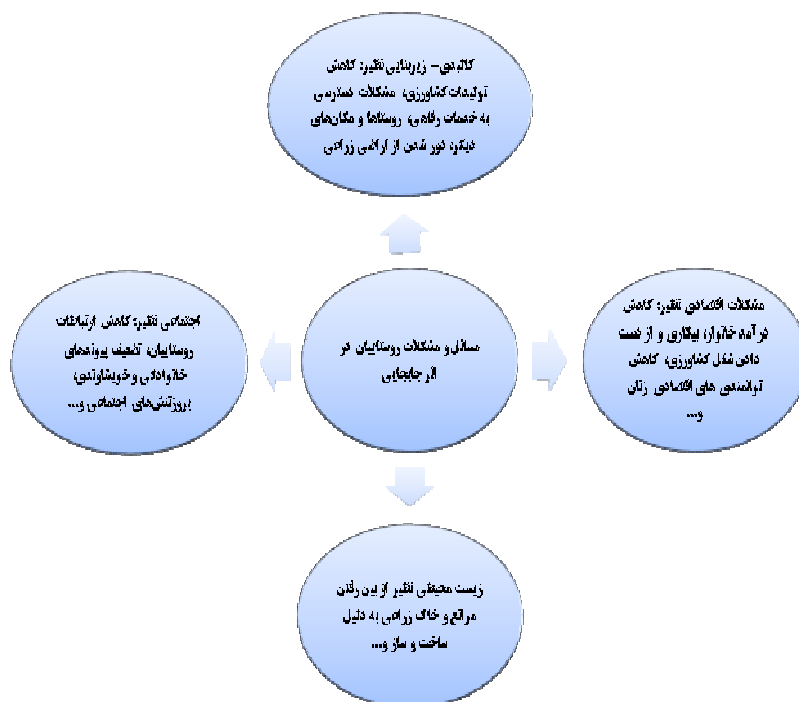
هدف کلان جابه‌جایی در مناطق روستایی ایران سامان‌دهی کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی در سطح منطقه و هدف خرد آن، تأمین امنیت و بهبود وضعیت معیشتی روستاییان است (Gharagozloo et al., 2014). در همین راستا، دست‌اندرکاران جابه‌جایی نیز دستیابی به اهداف را مد نظر قرار داده و به شیوه‌های متفاوت عمل می‌کنند، و محققان نیز آنها را در دسته‌بندی‌های مختلف بررسی می‌کنند که یکی از آنها جابه‌جایی روستاییان به دو شکل برنامه‌ریزی شده (داوطلبانه) و بدون برنامه‌ریزی (اجباری) است (Rahmati and Nazariyan, 2010). به بیانی روشن‌تر، جابه‌جایی و اسکان مجدد برنامه‌ریزی شده با قصد و هدف قبلی طراحی و به دنبال توسعه مراکز روستایی، بالا بردن

سطح زندگی و در نهایت، افزایش رفاه مردم روستایی است. در مقابل، اسکان مجدد برنامه‌ریزی نشده سیاستی است که با انگیزه‌هایی غیر از بالا بردن مستقیم سطح زندگی و رفاه مردم صورت می‌گیرد. مقایسه این دو رویه نشان می‌دهد که هرچند، سیاست‌گذاران اسکان مجدد برنامه‌ریزی نشده نیز ممکن است به اهداف خود دست یابند، اما احتمال موفقیت اسکان مجدد در تجمیع‌های داوطلبانه و برنامه‌ریزی شده بسیار بیش از اسکان‌های مجدد اجباری و بدون برنامه‌ریزی است، چراکه در بیشتر اسکان‌های مجدد برنامه‌ریزی نشده، میزان و مبنای کار، مشارکت و همکاری مردم نیست و همین موضوع تأثیری قابل توجه بر عدم موفقیت این شکل از طرح‌ها داشته است (Anonymous, 2006).

یکی دیگر از انواع تقسیم‌بندی‌هایی که اهداف اجرای سیاست جابه‌جایی را مد نظر قرار می‌دهد، تقسیم‌بندی آن به دو شیوه جابه‌جایی کالبدی و جابه‌جایی اقتصادی است. در جابه‌جایی کالبدی، هدف، تغییر محل کالبدی مردم است که منجر به رها کردن مکان استقرار و احتمالاً سرمایه‌های مولد یا دسترسی به سرمایه‌های مولد یا دوری از آنها می‌شود. اما جابه‌جایی اقتصادی از اقدامی ناشی می‌شود که بدون جابه‌جایی کالبدی دسترسی مردم به سرمایه‌های مولد را متوقف یا حذف می‌کند (Huguet, 1996). در ارتباط با نحوه پذیرش اجرای پدیده اسکان مجدد نظریه‌های متعددی مطرح شده است که محققان مهم‌ترین آنها را نظریه انتشار یا پخش دانسته‌اند. در ابتدا، این نظریه در علوم مربوط به طبیعت به‌ویژه در مطالعات مربوط به بوم‌شناسی گیاهان و جانوران مطرح شد و سپس، در علوم اجتماعی و جغرافیا که با تحلیل فضایی - مکانی پدیده‌ها سروکار دارد، مورد استقبال قرار گرفت. بر اساس این نظریه، پذیرش یک موقعیت تازه (مثلاً اسکان در محل جدید) تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله: ویژگی‌های جغرافیای محلی، عوامل فرهنگی و اجتماعی (زبان، قومیت)، عوامل اقتصادی و معیشتی و عوامل سیاسی - مدیریتی قرار می‌گیرد. فرآیند پذیرش اسکان مجدد از سوی مردم در چهار مرحله شامل مراحل مقدماتی، انتشار، تراکم و اشباع قابل شناسایی است (Gorkani et al., 2014). همچنین، افراد جامعه در مقابل شرایط تازه به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول، تعداد کمی از پیشگامان هستند که اقدام به پذیرش می‌کنند، بخش عمده‌ای از مردم دنباله‌روها هستند که به گروه اول می‌پیوندند، در نهایت، گروه دیرپذیرنده‌ها هستند که پس از کسب اطمینان کافی، شرایط جدید را می‌پذیرند (Woube, 2005).

واکاوی مشکلات مردم روستای رودبار۱

مرور مطالعات صورت گرفته در زمینه‌های مرتبط با سیاست اسکان مجدد و جابه‌جایی سکونتگاه‌ها نشان می‌دهد که موضوع اساسی مد نظر این است که جابه‌جایی باید در راستای تعالی زندگی روستاییان، بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی آنها و در نهایت، ایجاد ساختار کالبدی مناسب برای توسعه روستایی صورت گیرد. در ادامه، به بررسی نتایج تعدادی از مطالعات جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی پرداخته می‌شود. در نهایت، مدل مفهومی تحقیق برای واکاوی مشکلات مردم روستای رودبار شهرستان بهشهر در اثر جابه‌جایی ناشی از احداث ارائه می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱- مسائل و مشکلات روستاییان در اثر جابه‌جایی

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر ماهیت، کاربردی و از حیث روش، جزو تحقیقات توصیفی - تحلیلی به‌شمار می‌آید که به شیوه پیمایشی مبتنی بر تهیه پرسشنامه در انتهای سال ۱۳۹۵ اجرا شده است. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه سرپرستان خانوارهای غیرمهاجر و

ساکن روستای رودبار شهرستان بهشهر بودند که در طرح جابه‌جایی، مکان زندگی خود را به روستای رودبار جدید تغییر داده و از طریق سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند ($n=92$). ابزار اصلی مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بود که گویه‌های آن با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی سایت‌ها، مرور مطالعات مرتبط و مشاهدات میدانی ساخته شد، بدین صورت که ابتدا، ادبیات موجود در زمینه جابه‌جایی بررسی شد و سپس، مراجعه به اعضای جامعه مورد مطالعه صورت گرفت تا از طریق تحلیل محتوا مشکلات آنها پس از جابه‌جایی استخراج شود. در نهایت، داده‌های حاصل از مشاهدات میدانی و مرور مبانی نظری تلفیق شدند و پرسشنامه تحقیق طراحی شد که مجموع آنها در کنار یکدیگر بیانگر شاخص تحقیق و مشکلات روستاییان پس از جابه‌جایی بود. روایی پرسشنامه، پس از انجام اصلاحات و بهره‌مندی از نظر متخصصان، توسط اساتید گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه تبریز تأیید شد. به‌منظور برآورد پایایی پرسشنامه نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار آن $0/89$ به‌دست آمد که نشانگر پایایی مناسب ابزار تحقیق است. پرسشنامه شامل دو بخش اطلاعات توصیفی پاسخ‌گویان و اطلاعات مربوط به مشکلات آنها پس از جابه‌جایی بود. بخش دوم متشکل از تعدادی گویه بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: افزایش هزینه‌های زندگی پس از جابه‌جایی، کاهش امکان نگهداری دام در منازل جدید، عدم توجه به فرهنگ و آداب و رسوم در طراحی منازل و محیط کالبدی روستا، کاهش ارتباطات با اقوام و خویشاوندان نسبت به گذشته، تخریب روافزون منابع طبیعی به علت ساخت و ساز، وجود مشکلاتی برای دفع بهداشتی زباله و پسماندهای خانگی، افزایش فاصله با سایر روستاها نسبت به گذشته، کاهش انجام فعالیت‌های گروهی در روستا، عدم دسترسی مناسب به امکانات و خدمات بهداشتی (نظیر درمانگاه و خانه بهداشت). در نهایت، پرسشنامه تأییدشده در اختیار سرپرستان خانوارهای روستایی قرار گرفت. داده‌ها، پس از گردآوری، وارد نرم‌افزار SPSS شد. برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل‌های توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات) و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

مجدوده مورد مطالعه

روستای رودبار یخ‌کش (رودبار قدیم) از توابع بخش مرکزی شهرستان بهشهر در استان مازندران بوده، در دهستان پنج هزاره قرار دارد و براساس سرشماری مرکز آمار

واکاوی مشکلات مردم روستای رودبار.....

ایران در سال ۱۳۸۵، جمعیت آن ۱۵۸ نفر (۳۲ خانوار) بوده است. بر اساس آمار موجود، رودبار قدیم دارای ۱۵۰ هکتار اراضی قابل کشت است که حدود پانزده هکتار آن اراضی آبی و حدود هفتاد هکتار آن اراضی دیم بوده و محصولاتی مانند سویا، گندم، جو و برنج در آن کشت شده است. هم‌اکنون، در روستای رودبار جدید (نورودبار)، صد هکتار زمین زراعی قابل کشت وجود دارد.

نتایج و بحث

بر اساس یافته‌های توصیفی پژوهش، میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۴۵ سال بوده و بیشتر آنها در رده سنی بالای ۵۱ سال قرار داشتند (۳۳/۷ درصد). اکثر خانوارهای روستایی مدرسپرست (۹۵/۷) و بی‌سواد بودند (۳۵/۹ درصد)؛ و تنها ۹/۸ درصد آنها از سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم برخوردار بودند. بر اساس داده‌های جدول ۱، اکثر خانوارهای روستایی به محل زندگی خود علاقه زیادی داشتند (۷۲/۳ درصد) و تنها ۸/۵ درصد آنها از علاقه کمی نسبت به محل زندگی خود برخوردار بودند.

جدول ۱- توزیع فراوانی خانوارهای روستایی بر حسب میزان علاقه به محل زندگی خود

میزان علاقه به محل زندگی	فراوانی	درصد
کم	۶	۸/۵
متوسط	۱۸	۱۹/۲
زیاد	۶۸	۷۲/۳
جمع کل	۹۲	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه پژوهش، در قالب سؤالات توصیفی، از خانوارهای روستایی پرسیده شد که «آیا از میزان دام خود بعد از جابه‌جایی کاسته‌اند یا خیر؟»، که اکثریت آنها پاسخ مثبت دادند (۷۶/۶ درصد) و علت آن را هم نداشتن و تعبیه نشدن مکان مناسب برای نگهداری دام در روستای جدید می‌دانستند. لازم به ذکر است، اکثر خانوارهایی که بدین سؤال پاسخ منفی دادند، خانوارهایی بودند که در روستای رودبار قدیم هم به هر دلیلی دام نگه نمی‌داشتند. همچنین، در قالب یک سؤال فاصله‌ای هم تعداد اعضای مهاجر هر خانوار بعد از جابه‌جایی به روستای رودبار جدید پرسیده شد که بر پایه نتایج برآورد پاسخ‌ها، ۸۷

درصد خانوارها بدون عضو مهاجرت کرده بودند، که خود مؤید وابستگی و میزان علاقه آنها به محل زندگی خود است.

برای اولویت‌بندی مسائل و مشکلات جامعه روستایی مورد مطالعه در اثر جابه‌جایی، از ضریب تغییرات استفاده شد که مقادیر آن در جدول ۲ آمده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، افزایش هزینه‌های زندگی را می‌توان مهم‌ترین مشکل روستاییان در اثر جابه‌جایی دانست.

جدول ۲- اولویت‌بندی مسائل و مشکلات جامعه روستایی مورد مطالعه در اثر جابه‌جایی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	مشکلات روستاییان
۱	۰/۰۰۶	۰/۰۳	۴/۶	افزایش هزینه‌های زندگی پس از جابه‌جایی
۲	۰/۱۰	۰/۴۰۵	۴/۰۵	کاهش امکان نگهداری دام در منازل جدید
۳	۰/۲۰۳	۰/۶۶	۳/۲۹	عدم توجه به فرهنگ و آداب و رسوم در طراحی منازل و محیط فیزیکی روستا
۴	۰/۲۱۹	۰/۳۹	۱/۸۲	کاهش ارتباطات با اقوام و خویشاوندان نسبت به گذشته
۵	۰/۲۳	۰/۶۹	۳	تخریب روافزون منابع طبیعی به علت ساخت و ساز
۶	۰/۲۴	۰/۸	۲/۴۱	وجود مشکلاتی برای دفع بهداشتی زباله و پسماندهای خانگی
۷	۰/۲۶	۰/۸۷۱	۳/۳۵	افزایش فاصله با سایر روستاها نسبت به گذشته
۸	۰/۲۷۵	۰/۵۲۸	۱/۹۲	کاهش امکان انجام فعالیت‌های گروهی در روستا
۹	۰/۲۸۱	۰/۶۰	۲/۱۷	عدم دسترسی مناسب به امکانات و خدمات بهداشتی (نظیر درمانگاه، خانه بهداشت و...)
۱۰	۰/۲۹	۰/۶۲	۲/۱۴	عدم رضایت از نمای ظاهری منازل جدید
۱۱	۰/۲۹۵	۰/۷۲	۲/۴۷	عدم اطمینان از برخورداری ساختمان‌های جدید از استانداردهای مقاومت در برابر زلزله، سیل و...
۱۲	۰/۳۱	۰/۹	۳/۲۷	کاهش درآمد خانوار روستایی پس از جابه‌جایی
۱۳	۰/۳۳۰	۱/۰۱	۳/۲۷	وجود مشکلات سکونتگاه‌های جدید در دفع فاضلاب خانگی
۱۴	۰/۳۳۶	۰/۷۶	۲/۲۷	عدم دسترسی مناسب به امکانات و خدمات ورزشی (نظیر سالن، زمین ورزشی و...)
۱۵	۰/۳۴۱	۱/۰۴	۳/۰۵	کاهش امکان انجام فعالیت‌های غیرکشاورزی (مانند: صنایع دستی و...) برای زنان
۱۶	۰/۳۴۹	۰/۹۳	۲/۶۷	از بین رفتن مراتع به علت ساخت و ساز و دشواری دسترسی به مراتع در روستای جدید
۱۷	۰/۳۵۵	۰/۹۴	۲/۶۷	کاهش ارتباطات با همسایگان نسبت به گذشته
۱۸	۰/۳۷	۰/۸۱	۲/۲۰	عدم دسترسی مناسب به منابع آموزشی (نظیر مدرسه، کتابخانه و...)
۱۹	۰/۳۹	۰/۷۰	۱/۸۲	عدم دسترسی مناسب به خدمات مخابراتی (نظیر: تلفن ثابت، دفاتر خدمات ارتباطی و...)
۲۰	۰/۳۹۳	۰/۵۹	۱/۵۲	دور شدن از اراضی زراعی نسبت به روستای قبل
۲۱	۰/۳۹۴	۰/۸۹	۲/۲۷	کاهش ارتباطات با اعضای خانواده نسبت به گذشته
۲۲	۰/۳۹۶	۰/۷۲	۱/۸۲	کاهش چشم انداز و زیبایی محیط نسبت به روستای قبلی
۲۳	۰/۴۰	۰/۸۲۴	۲/۰۶	عدم تطابق طراحی منازل و محیط روستا با خواست و تمایلات مردم روستایی
۲۴	۰/۴۱	۰/۷۲	۱/۷۷	عدم دسترسی آسان و مناسب به شهر
۲۵	۰/۴۲۷	۰/۷۶	۱/۸	دور شدن از مرکز دهستان نسبت به سکونتگاه قبلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

واکاوی مشکلات مردم روستای رودبار

در مرحله بعد، به منظور کاهش شمار متغیرهای تحقیق به عامل‌های کمتر و تعیین سهم هر کدام از عامل‌ها در واکاوی مسائل و مشکلات روستائیان در اثر جابه‌جایی، از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. محاسبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی اکتشافی مناسب بوده است، به گونه‌ای که مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۵۹ و آماره بارتلت برابر با ۱/۳۸ به دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار شده و نشانگر مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی بوده است. مطابق جدول ۳، عدم رعایت ملاحظات کالبدی-زیرساختی در ساخت سکونتگاه‌های جدید، ۲۱/۳۷ درصد واریانس مشکلات را به خود اختصاص داده و با مقدار ویژه ۷/۴۸ اولین دسته از مشکلات روستائیان در اثر جابه‌جایی به روستای نورودبار بوده است. همچنین، نتایج نشان داد که عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در احداث روستای جدید، عملکرد اجتماعی نامناسب سکونتگاه جدید، مشکلات مرتبط با وضعیت اقتصادی خانوار روستایی و عملکرد نامناسب سکونتگاه‌های جدید از بعد فرهنگی-روانی، به ترتیب، ۵/۳۵۳، ۴/۵۲۱، ۴/۳۴۷، ۳/۷۸۱ و ۳/۲۵۸ درصد از واریانس متغیرها را به عنوان مشکلات دوم تا ششم به خود اختصاص دادند. لازم به ذکر است که در مجموع، عوامل یادشده ۵۲/۴۶۰ درصد واریانس تجمعی را تشکیل می‌دهند.

جدول ۳- خلاصه تحلیل عاملی مسائل و مشکلات روستائیان در اثر جابه‌جایی به

روستای نورودبار

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
عدم رعایت ملاحظات کالبدی-زیرساختی در ساخت سکونتگاه جدید	۷/۴۸	۲۱/۳۷۳	۱۱/۵۵۹
عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در احداث روستای جدید	۵/۳۵۳	۹/۵۷۴	۲۰/۷۳۱
عملکرد اجتماعی نامناسب سکونتگاه جدید	۴/۵۲۱	۵/۸۸۵	۲۹/۸۶۶
مشکلات مرتبط با وضعیت اقتصادی خانوار روستایی	۳/۷۸۱	۴/۸۴۷	۴۵/۵۵۶
عملکرد نامناسب سکونتگاه‌های جدید از بعد فرهنگی-روانی	۳/۲۵۸	۴/۴۳۲	۵۲/۴۶۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس داده‌های جدول ۴، بار عاملی بیانگر همبستگی بین متغیر اصلی و عامل‌های مربوط به آن در همه عامل‌های این جدول بالای ۰/۳ شده، که به مفهوم معنی‌داری مناسب بارهای عاملی است.

جدول ۴- خلاصه تحلیل عاملی دوران یافته مشکلات روستاییان در اثر جابه‌جایی به روستای نورودبار به همراه عامل‌های تشکیل دهنده آنها

عامل	متغیر	بار عاملی	
عدم رعایت ملاحظات کالبدی-زیرساختی در ساخت سکونتگاه جدید	عدم زیباسازی و بهبود فضای محیطی روستا (نظیر کوچه های دارای عرض کم، عدم جدول گذاری معابر و...)	۰/۷۴۰	
	عدم اطمینان از برخورداری ساختمان‌های جدید از استانداردهای مقاومت در برابر زلزله، سیل و...	۰/۷۳۱	
	عدم دسترسی مناسب به خدمات مخابراتی (نظیر: تلفن ثابت، دفاتر خدمات ارتباطی و ...)	۰/۶۹۴	
	عدم دسترسی مناسب به امکانات و خدمات بهداشتی (نظیر درمانگاه، خانه بهداشت و...)	۰/۶۰۸	
	کاهش چشم انداز و زیبایی محیط نسبت به روستای قبلی	۰/۵۸۸	
	عدم دسترسی مناسب به منابع آموزشی (نظیر مدرسه، کتابخانه و...)	۰/۵۵۵	
	عدم دسترسی مناسب به امکانات و خدمات ورزشی (نظیر سالن، زمین ورزشی و...)	۰/۵۰۷	
	دور شدن از اراضی زراعی نسبت به روستای قبل	۰/۴۶۲	
	دور شدن از مرکز دهستان نسبت به سکونتگاه قبلی	۰/۴۶۱	
	عدم دسترسی آسان و مناسب به شهر	۰/۴۸۴	
عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در احداث روستای جدید	افزایش فاصله با سایر روستاها نسبت به گذشته	۰/۴۶۹	
	وجود مشکلات سکونتگاه های جدید در دفع فاضلاب خانگی	۰/۵۳۵	
	کاهش امکان نگهداری دام در منازل جدید	۰/۳۸۵	
	تخریب روافزون منابع طبیعی به علت ساخت و ساز	۰/۶۸۸	
	وجود مشکلاتی برای دفع بهداشتی زباله و پسماندهای خانگی	۰/۴۰۹	
	از بین رفتن مراتع به علت ساخت و ساز و دشواری دسترسی به مراتع در روستای جدید	۰/۳۶۹	
	سکونتگاه های جدید	کاهش انجام فعالیت های گروهی در روستا	۰/۶۸۵
		کاهش ارتباطات با همسایگان نسبت به گذشته	۰/۴۷۷
		کاهش ارتباطات با اعضای خانواده نسبت به گذشته	۰/۴۷۴
		کاهش ارتباطات با اقوام و خویشاوندان نسبت به گذشته	۰/۴۷۱
مشکلات مرتبط با وضعیت اقتصادی خانوار روستایی	کاهش درآمد خانوار روستایی پس از جابه‌جایی	۰/۶۲۹	
	افزایش هزینه‌های زندگی پس از جابه‌جایی	۰/۵۷۵	
	کاهش امکان انجام فعالیت‌های غیر کشاورزی (مانند: صنایع دستی و...) برای زنان	۰/۵۱۹	
فرهنگی-روانی	عدم رضایت از نمای ظاهری منازل جدید	۰/۸۸۶	
	عدم تطابق طراحی منازل و محیط روستا با خواست و تمایلات مردم روستایی	۰/۸۱۴	
	عدم توجه به فرهنگ و آداب و رسوم در طراحی منازل و محیط فیزیکی روستا	۰/۷۰۷	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر، با هدف واکاوی مسائل و مشکلات روستاییان در اثر جابه‌جایی روستای رودبار در شهرستان بهشهر صورت گرفت. بر اساس یافته‌های توصیفی پژوهش، اکثر خانوارهای روستایی بعد از جابه‌جایی فعالیت دامداری را انجام نمی‌دادند. مشکل حذف دامپروری در روستای رودبار باعث ایجاد مشکلات عدیده مانند کاهش منابع درآمدی خانوار و افزایش هزینه‌های زندگی شده که به‌عنوان بزرگ‌ترین مشکلات روستاییان پس از جابه‌جایی خود را نمایان ساخته است. قدیری معصوم و همکاران (Ghadiri-Masoum, 2014) نیز در پژوهش خود بدین نتیجه رسیدند که الگوی جدید ساخت و ساز مسکن روستایی در قیاس با الگوی سنتی دارای نوعی ناهنجاری‌های کالبدی است. در وهله اول، این ناهنجاری‌ها زمینه تغییر و تحول در کارکرد مسکن و گرایش آن به تک‌کارکردی را به دنبال دارد، که خود بر زمینه‌های رشد اقتصادی خانوار تأثیر گذاشته و به ایجاد خلل در انجام فعالیت‌های کشاورزی، خدمات مالی به بخش دامداری و برچیده شدن برخی فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی مانند صنایع دستی انجامیده است.

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیز نشان داد که عدم رعایت ملاحظات کالبدی-زیرساختی در ساخت سکونتگاه جدید، عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در احداث روستای جدید، عملکرد اجتماعی نامناسب سکونتگاه جدید، مشکلات مرتبط با وضعیت اقتصادی خانوار روستایی و عملکرد نامناسب سکونتگاه‌های جدید از بعد فرهنگی-روانی، در مجموع، ۵۲/۴۶ درصد مشکلات خانوارهای روستایی ساکن روستای رودبار در اثر جابه‌جایی سکونتگاه بوده است، که با نتایج مطالعات قراگوزلو و همکاران (Gharagozloo et al., 2014)، رحمتی و نظریان (Rahmati and Nazariyan, 2010) همخوانی دارد. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از مشکلات روستاییان ساکن در روستای رودبار در اثر اجرای سیاست جابه‌جایی عدم رعایت ملاحظات کالبدی-زیرساختی در ساخت سکونتگاه جدید بود که به‌عنوان اولین و مهم‌ترین اثر جابه‌جایی روستای رودبار خود را نمایان ساخت. عدم توجه همه‌جانبه بدین مهم در تأسیس روستای رودبار جدید (نورودبار) سبب پیدایش مشکلات بسیاری نظیر کوچه‌های کم‌عرض، عدم جدول‌گذاری

معايير، عدم وجود استاندارد برای مقاومت ساختمان‌ها در برابر حوادثی نظیر سیل و زلزله، عدم دسترسی روستاییان به خدمات ارتباطی و ... شده است. وجود این مشکلات زیرساختی سبب عدم برآورده شدن انتظارات روستاییان از اجرای این سیاست شده و تحقق اهداف طرح را با شک و تردید مواجه کرده است، که البته به هیچ وجه نمی‌توان از اهمیت این عامل در دستیابی به توسعه پایدار و مطلوب روستای رودبار جدید چشم‌پوشی کرد، چراکه منابع طبیعی و انسانی بدون تجهیز لازم و فراهم شدن بسترها و زیرساخت‌های ضروری برای استفاده از آنها نمی‌توانند عاملی مؤثر در فرآیند توسعه باشند و یا در فرآیند توسعه روستایی به کار گرفته شوند. از این رو، برای آنکه بتوان این منابع را تجهیز کرد و به کار گرفت، ضروری است که زیرساخت‌های کالبدی لازم در قالب بستر توسعه مهیا شود (Anonymous, 2009). حال، اگر در شرایط مادی و کالبدی روستاییان پس از جابه‌جایی بهبود چندانی حاصل نشود، اجرای سیاست جابه‌جایی روستاهایی نظیر روستای رودبار هزینه‌هایی سنگین مانند اتلاف وقت، انرژی، سرمایه و به‌طور کلی، منابع مادی و غیرمادی را به همراه خواهد داشت. عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در احداث روستای رودبار جدید نیز دسته‌ای دیگر از مشکلات بودند که مردم روستای رودبار جدید با آن درگیر بودند، به گونه‌ای که بر اساس مشاهدات عینی و یافته‌های پژوهش، ساخت و ساز در روستای نورودبار سبب از بین رفتن کمی و کیفی منابع طبیعی شده بود، که این موضوع کیفیت محیط زیست و چشم‌انداز طبیعی زیبای این منطقه را با تهدید مواجه کرده و سبب از بین رفتن تدریجی برخی منابع معیشتی مانند دامپروری به علت حذف مراتع شده بود. در پژوهش قراگوزلو و همکاران (Gharagozloo et al., 2014) نیز یکی از آثار جابه‌جایی و اسکان مجدد روستاییان در زمینه ایجاد مشکلات زیست‌محیطی بود. همچنین، عملکرد اجتماعی نامناسب سکونتگاه‌های جدید یکی دیگر از مشکلات روستاییان روستای رودبار در اثر جابه‌جایی بود، به گونه‌ای که پس از جابه‌جایی به دلیل تغییر فضای روستا و نوع طراحی ساختمان‌های مسکونی جدید، روستاییان امکان برقراری ارتباطات کمتری با هم نسبت به گذشته داشتند. پیدایش این مسئله، به مرور زمان، ارتباطات درون‌گروهی و برون‌گروهی در روستا را که از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، کم‌رنگ کرده،

بر اعتماد و همبستگی اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد و در نهایت، کارکرد مثبت سرمایه اجتماعی را که طی سالیان دراز در روستا شکل گرفته است، با اختلال مواجه خواهد کرد. به‌طور کلی، پس از ارزیابی نتایج تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که روستاییان پس از جابه‌جایی دچار مشکلات فراوان شده‌اند. حال، از آنجا که اهداف دست‌اندرکاران و انتظارات روستاییان از فرآیند جابه‌جایی، انتقال به یک مکان جدید با وضعیت زندگی مطلوب‌تر در همه ابعاد آن است، بیان این مشکلات خود به گونه‌ای نشانگر عدم رضایت نسبی روستاییان و عدم برآورده شدن انتظار آنها از اجرای سیاست جابه‌جایی است. در پایان، با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی بدین شرح ارائه می‌شود:

- گسترش آموزش‌های مهارتی برای آشنایی کشاورزان با کسب‌وکارهای غیرکشاورزی؛
- ارتقای کیفیت و بهسازی کالبدی سکونتگاه‌های جدید؛
- انجام اقداماتی نظیر نیازسنجی و پیامدسنجی پس از جابه‌جایی روستا به‌منظور برآورده کردن انتظارات و خواسته‌های روستاییان، که خود به افزایش رضایت‌مندی آنها از سکونتگاه جدید می‌انجامد؛
- کوشش در راستای مکان‌یابی مؤثر با در نظر گرفتن تمام ابعاد پایداری به‌منظور احداث روستاهای جدید برای روستاهایی که نیازمند تغییر مکان و یا جابه‌جایی هستند؛
- در نظر گرفتن آداب و رسوم و فرهنگ روستاییان در احداث بناها و ساختمان‌های روستای جدید؛ و
- برنامه‌ریزی برای تنوع‌بخشی و ارتقای فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در راستای حفظ نظام تولید در روستا.

منابع

1. Anonymous (2006). Final report on social, economic and natural studies on the upstream of the Gotvand dam (15 volumes). Iran Water and Power Resources Development Company. (Persian)
2. Anonymous (2009). Evaluation of the effects of implementation of rural Hadi project. Housing Foundation of Islamic Revolution, Tehran. (Persian)

3. Badri, A, Asgari, A., Rokneddin Eftekhari, A.R. and Levy. J. (2006). Post-disaster resettlement, development and change: a case study of the 1990 Manjil earthquake in Iran. *Disasters*, 30(4): 451-468.
4. Darvishi, H., Azizpour, F., Rahmani-Fazli, A. and Biranvandzadeh, M. (2013). Desirable landscape of settlement system of rural settlements located in the Seymareh dam: case study of Zir-Tang village. *Journal of the Geographic Space*, 2(6): 100-101. (Persian)
5. Ghadiri-Masoum, M., Hajipour, M. and Roosta, M. (2014). Pathology of a new pattern of rural dwellings on sustainable development (case study of Shoosf village in Nehbandan city). *Journal of Spatial Planning (Geography)*, 4(3): 1-14. (Persian)
6. Gharagozloo, H., Isa Lo, A. and Garavand, F. (2014). Evaluation of physical-spatial effects of displacement in rural settlements (case study of Malavi village, Poldokhtar city). *Journal of Regional Planning*, 4(16): 125-136. (Persian)
7. Gorkani, A.H., Vojdani, M.A., Rahimbakhash, F. and Bashiri, M. (2014). A study on the participation rate of villagers in relocation of rural settlements, case study: moved villages in south of Kerman province. *Housing and Environment of the Village*, 33(148): 21-32.
8. Huget, P. (1996). *Geography: a new combination (Vol. II)*. Translated by Goodarzinzhad, Sh. Tehran: Publication of Samt. (Persian)
9. Mirnorouzi, M., Farahani Rad, H. and Jalili, R. (2009). Social assessment (SA) to enhance the ability of residents in resettlement (Gabric Dam project). *Journal of Environment and Development*, 1(1): 1-24. (Persian)
10. Mohammadi, A., Motiee Langroudi, H., Rezvani, M.R. and Ghadiri-Masoom, M. (2013). Evaluation of the effects of patterns of resettlement strategy after natural disasters on the quality of rural life (case study of resettled villages in eastern Golestan province). *Journal of Geography and Environmental Sciences*, 4: 37-50. (Persian)
11. Mohammadi, A., Motiee Langroudi, H., Rezvani, M.R. and Ghadiri-Masoom, M. (2014). Explaining the impact of resettlement patterns on sustainable rural development, case study: flooded villages in east of Golestan province. *Rural Research*, 6(1): 117-136. (Persian)

12. Nobakht-Haghighi, Sh. and Ghoreishi-Minabad, M.B. (2014). Effective factors on rural people's satisfaction for spatial replacement (case study: Chaaharmahal village). *Journal of Geographic View in Human Studies*, 8(25): 113-126. (Persian)
13. Rahmati, A. and Nazariyan, A. (2010). Socio-economic and environmental impacts of moved settlements (case study of Gotvand Olya dam, Karoun river). *Environmental Researches*, 1(2): 53-66. (Persian)
14. Sidayi, E. and Azadi, Y. (2014). Evaluation of rural placement plans for locating (case study of Loraini Olya and Sofla and Afrokhabad Villages in Ilam province). *Land Planning*, 6(2): 239-258. (Persian)
15. Soleimanzadeh, S., Mahdavi, M. and Sartipipour, M. (2014). Evaluation of displacement of rural settlements after an earthquake (case study of Estalkhkooh after the earthquake of 1990 in Guilan-Zanjan). *Rural Research and Planning*, 3(1), Successive No. 5. (Persian)
16. Woube, M. (2005). Effect of resettlement schemes on the biophysical and human environments: the Gambala region, Ethiopia. Florida: Universal Publisher.